

کمونیست‌ها برخلاف نمایندگان سیاسی بورژوازی و خرده‌بورژوازی، چه در قدرت و چه در اپوزیسیون، نزدیک‌ترین دوستان کارگران و زحمتکشان‌اند و به همین دلیل موظف‌اند بر خلاف سیاستمداران حقیقت را بیان کنند؛ نه توجیه وضعیت موجود، بلکه تلاش برای تغییر آن. آنان با عبور از ظاهر پدیده‌ها، در پی کشف ماهیت و جوهر روابط اجتماعی‌اند.

جنگ جاری، جنگ منطقه‌ای در ابعاد بین‌المللی است که در آن بازیگران مختلف درگیر رقابت مرگبار سرمایه‌ها در شرایط بحرانی هستند. آمریکا برای مهار افول اقتصادی خود در پی تسلط بر منابع انرژی، مواد خام و راه‌های زمینی، دریایی و هوایی خاورمیانه؛ اسرائیل با اتکا به حمایت اقتصادی و نظامی آمریکا در پی تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه؛ و رژیم اسلامی سرمایه نیز برای تثبیت موقعیت خود و رقابت با اسرائیل و کسب برتری در خلیج فارس وارد یک رویارویی سرنوشت‌ساز شده است.

تفسیر این جنگ با مفاهیمی مانند «اسلام سیاسی»، «جنگ تروریست‌ها»، «جنگ ایدئولوژی‌ها» یا «مبارزه ضدامپریالیستی» در عمل پوششی برای پنهان کردن ماهیت سرمایه‌دارانه و اهداف طبقاتی آن از دید طبقه کارگر و توده‌های تحت ستم است. در واقع این جنگ، جنگ دولت‌های سرمایه و منافع متضاد سرمایه‌هاست و هرگونه همسویی با هر یک از این جناح‌ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، در خدمت یکی از بلوک‌های سرمایه قرار می‌گیرد. این جنگ مستقیماً حیات و منافع طبقه کارگر را تهدید می‌کند و از این منظر، پایان دادن به آن در راستای منافع طبقه کارگر جهانی است.